

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۰/۰۹/۲۴

اسلام، مسلمان و نیمچه مسلمان

درین چند سال اخیر تعریف های گوناگون پیرامون تشریح اسلام از طرف هموطنان ما و بعضی آخوند های عرب زده که میخواهند مطابق شرایط امروز خود را روشن جلوه دهند و شبکه های مداحی اسلامی در مطبوعات جهانی از گوشه و کنار مثل دلک های خلفای عباسی سر کشیده و با قیافه های جالب خواسته اند توجه ملت ها را پیرامون اسلام - زیر نام دین حقیقت - دین برابری و برادری جلب و تک تک آنها به اشکال مختلف به حیث یک متفکر و روشنفکر اسلامی در جامعه عرض وجود و در مطبوعات خارج از کشور به اصطلاح خودشان روشنگری دینی بنمایند و هر کدام به نوبه خود خواسته اند قیافه روشن به چهره خرافات دینی و مذهبی و اسلام داده و آنرا حلال تمام مشکلات بشری به حساب آرند و نقش خاینانه خود را به نفع رژیم های پوشالی و مستبدجوامع مختلف و برای بقای شان ایفاء بدارند تا باشند آنانی که هنوز فریب این مکاران را نخورده اند به دام شان بیفتند و بتوانند با این عمل حد اقل یک وقفه موقتی و کوتاه دیگر در راه ترقی و پیشرفت علم و بشریت ایجاد کنند هر کدام ازین خاینین بشری به نوع دلخواه از اسلام برداشت داشته و همان برداشت خود را صحیح و کامل دانسته و روی آن پافشاری و به صد ها دسیسه و سفسطه میخواهند حقانیت طرح خود را بخورد انسانها داده و به مفت خوری خود در صدر جامعه ادامه بدهند بلی اینها آنقدر بی شرم و بی حیا اند که همه اسناد، طرح ها، فتوا ها و حتی حدیث ها را (عنداللزوم) رد کرده و ادعا دارند که آن حدیث ها و غیره دست خورده بوده و اعتبار ندارند چرا؟ برای آنکه آن احادیث شرم اسلام است و اعتبار هرچه اسلام و مسلمانی است از بین میبرد اسلام و مفکوره اسلامی در صحرای سوزان شبه جزیره عربستان در بین مردمی که تا آنوقت به شکل قبایلی و عنعنه ئی و بدوی زندگی داشتند و اکثرا از راه رهنزی و چپاول مال مردم و کاروانهای تجاری که از محلات شان مخصوصا اطراف مکه در رفت و آمد بودند امرار معاش میکردند به ابتکار محمد که خود را خاتم النبیین اعلان کرد و دین خود را به نام اسلام و متکامل ترین ادیان نام نهاد به وجود آمد که ترکیبی از آئین یهودیت - مسیحیت و داستانهای از پیامبران قدیمی بنی اسرائیل و پس و پیش ساختن روایاتی از ادیان قدیم میباشد محمد روی فشار افکار عمومی و نبودن شرایط مساعد برای تبلیغات دینی اش و

همچنان خطرانی که او را تهدید میکرد مجبورا مکه را ترک و به مدینه رهسپار شد که آنجا کار و بارش رونق گرفت محمد دین خودش را دین ابراهیمی نام گذاشت تا بتواند از نفوذ بعضی سران یهودیت و مسیحیت استفاده کرده به قلمرو حاکمیت خود بیفزاید. قبله مسلمانان هم بیت المقدس بود نه کعبه و قتیکه لشکریانی از او باشند و دزد های دوره ای فراهم ساخت خدای قهار و جبار جای خدای رحیم و کریم را که در ابتدای ادعایش از پیغمبری در مکه تبلیغات میکرد گرفت و به اصطلاح هدایات آسمانی که آنرا وحی میگفت برای آدم کشی چور و چپاول و گرفتن دارائی های مردم نازل و حمله به مکه شروع شد که بعد از فتح مکه تعداد دزدان آنجا نیز به او پیوست و در ایجاد لشکر و نیرو های چپاول گر در گرد محمد و یاران او بنیاد یک قوت مهاجم را گذاشتند و کم کمک این چور و چپاول - آدم کشی ها - قتل های گروهی و از بین بردن قراء یهودی نشین به بیرون از عربستان سرایت و تا وطن عزیز ما رسید که صد ها هزار قربانی در زیر تیغ اعراب فاشیست و لجام گسیخته به خاطر دفاع از آنچه داشته ها بود، به خون نشستند.

سرداران بیباک - دزد- بی آبرو و چپاول گر عرب در مقطع های جداگانه تاریخی شرع کردند به تاراج و دزدی مال و دارائی و ناموس وطن و هم هویت و فرهنگ ملی ما. درین ارتباط فقط همین بس که نام های پر مسمای مارا به عبدل- غلام - کلبی که معنی سگ را میدهد و غیره تبدیل و داشته های افتخاری ما را که پندار نیک - گفتار نیک و رفتار نیک بود از ما گرفتند

خدمت خوانندگان عزیز عرض باید نمود که(در سال 242 میلادی شخصی به نام مانی که 26 ساله بود در دربار شاپور اول پادشاه ساسانی خود را پیامبر راستین - پیامبر آخرالزمان و آخرین و کاملترین پیامبران معرفی و گفت که پیامبری به من ختم می شود

دین مانی تا سال 125 هجری تا زمان ولید دوم خلیفه اموی رواج داشته است . نام کتابش ارزنگ است که از خلاصه ادیان مثل فلسفه گنوسوتیک ها- ستاره پرستان و از مبادی برهمنان هند شمنان بودایی دین ممزوج با معتقدات اسرار آمیز بوجود آورد

بعد از زمان مهدی خلیفه عباسی این دین را زندق نامیدند تا اینجای مسأله ممکن تا اندازه ای قابل تحمل باشد چون فاتحین هر کاری بخواهند میکنند و هر قانونی را میتوانند اجراء بدارند اما آن چیزی که زخمش مثل زخم ناسور هرگز مداوا نخواهد شد و شرمش همیشه درین سر زمین باقی خواهد ماند دلچک بازی و چاپلوسی یک تعداد از باشندگان این مرزو بوم با شخصیت های سست بنیاد و هرزه در ادوار مختلف به نفع دزد های عرب است که روی منافع شخصی و گرفتن امتیازات از شیوخ و مهاجمان عرب سر به آستان آنها کوبیده و امروز بقایای کثیف و نامرد آنها به نام های سید-حضرت- شیخ نقیب- پیرو غیره موجود بوده و به سود ایده های این جباران تاریخ آب به آسیاب آنها میریزند.

ترسم از تیر اوران بیباک نیست طعنه تیر اورانم می کشد

امروز در حدود یک میلیارد آدم درین کره خاکی خود شانرا مسلمان میدانند و بسا مشکل خواهد بود اگر صد نفر

شانرا پیدا کرد که روی تمام مسایل اسلامی با هم توافق داشته باشند. چرا؟

به خاطر اینکه یک پایه و اساس علمی و انسانی نداشته و معیار های تعیین شده برای شناخت پدیده های فلسفی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و حتی انسانی مطروح شان روی خیالات واهی، پندار ها و افسانه ها و تخیل های طفلانه و کوچک بوده و میباید که جای پذیرش در مغز های سالم و انسانهای دیگر اندیش ندارد اما اگر این خیالات و واهیات جنبه شخصی داشته و در حدود مغزی خود شان باقی بماند حرفی نداریم در عقاید شان چون مسأله شخصی شان است اما اگر از چوکات فکری شان بیرون و خواسته باشند به آن شکل مکتبی و تیوریکی بدهند لازم می افتد تا به بررسی گرفته شده و ماهیت تو خالی و پو شالی و ضرر های ناشی از آن به جامعه افشاء و علیه آن مبارزه شدید و بی امان صورت پذیرد همه اینها که خود را مسلمان میگویند اسلام زده هستند نه مسلمان و چیزی هم برای گفتن ندارند به جز همان اشغال های قبلی.

پس مختصر و خیلی مختصر بایک نظر کوتاه اسلام را در چهره و عملکرد های دو دولت که در رأس اسلام خود را می بینند یعنی عربستان سعودی یا رژیم خاموش بنیاد گرایان و دیگری هم رژیم وحشی و خون اشام آخوندی ایران که هر دوی آنها مراجع قانون گذاری شرعی و فتوا دهنده در همه امور و شئون زندگی مسلمانان و غیر مسلمان هستند انداخته و دید که چه نوع دولت ها با چه ایده های شیطانی در تفکر تسلط مغز های انسانی و دزدیدن شعور انسان ها در رقابت هستند و در شرایط امروزی چه چیزی به بشریت پیشکش میدارند

عربستان سعودی :

با یک نگاه و یک تحلیل از مطالعه سطحی وضع مملکت ، سیستم اقتصادی ، حقوق مردم ، حقوق زنها، حقوق مرد ها، سیاست خارجی ، سیاست داخلی ، طرز حکومت داری و اعمال خواسته های غیر انسانی رهبران دولتی و شیوخ عرب به نام اسلام و مسلمانی بالای ملت و رعایا و بعدا برای استثمار و غلام ساختن ملل دیگر میتوان به کنه اسلام پی برد فقط باید توجه کرد و دید که گردانندگان بازار سیاست و دین آنها در کدام نقاط دنیا به چه نوع عیاشی مشغول و خانم های حرمسرای شان در لندن و دیگر نقاط اروپا و امریکا با بادی گارد های مسلمان شان به چه نوع عبادات اسلامی در زیر حجاب کاملا شرعی مصروف اند و مصارف این همه ولخرچی ها از جیب ملیون ها مسلمان که بی آایشانه به اسلام عقیده دارند و بی خبر از فنون اسلام و به خاطر پاکی از گناهان شان به حج میروند و خریداری هزاران جنس و امتعه غیر ضروری و دیگر مصارف به دولت عربستان پرداخته میشود.

ایران:

در آنجا آیت الله ها و آخوند های قرون وسطای بی شاخ و دم که با عربستان روی مسایل فقهی اختلاف اما با شوروی و اسرائیل پیوند های محکمی داشته زیر هدایات انگلیس اسلام را در ایران و جهان تو سعه می بخشند و از خدمت گذاران صادق چاویز و کاسترو میباشند از برکت ساده دلی و بی تفکری مردم ایران به زور استعمار بین المللی به قدرت رسیده اند آنجا هم میتوان حقوق ملا و آخوند را با حقوق برابری و برادری که اسلام مدعی آن است با حق و امتیازات دیگر اتباع مخصوصا زنها مقایسه نمود کشتار و اعدام های غیر انسانی نسل جوان و پیشتاز ایران که مخالف رژیم بوده به هر نام و عنوان و سنگسار دختران رشید ایران زمین از شاهکار های رژیم آخوندی است چرا؟

برای اینکه کشتار مخالفین عقیده عقب گرائی جزء اسلام و از جمله وظایف اولیه این دولت و تمام دولت های اسلامی است هر قدر این کشتار ها وحشیانه تر و بیباک تر باشد به همان اندازه مقام عاملین آن نزد خدای اسلام

بالا تر و عزیز تر مییاشد

باید توجه کرد به دموکراسی اسلامی ایران و عدالت اجتماعی اسلامی که همین اکنون عملی و در جریان است و در ملک ما پرورده های آن ها و حلقه به گوشان شان مثل ربانی سیاف، گلب الدین، حقانی، آقای صبغت الله مجددی، (این بیچاره درین سن و سال هم آدم نشد و مثل آباء و اجدادش در خدمت استعمار هنوز هم استخاره میکنند)، فهیم، عبدالله، پیرگیلانی مزاری، محقق، خلیلی، اکبری، کاظمی، قانونی (جناب شان با بلندکردن تابوت بریالی وطن فروش پر چمی و ریختن چند قطره اشک اسلامی خواست خوش خدمتی خود را یک بار دیگر به بقایای این آدمکشان مدرن نشان دهد) و چند کس و ناکس دیگر که تا هنوز هستند و چهار چشمی به اربابان خود نگریسته و به امید لقمه دیگر دمبک میزنند، نشان دهد.

این هر دو کشور که خود را در رأس کشور های اسلامی قرار داده و هر کدام برای خود طرح هائی دارند هر کدام آنها دزد هستند، دزد شعور انسانی و از بین بردن هویت ملی کشور های دیگر. بقیه کشور هائی که به نام اسلامی یاد میشوند در آنها چیزی بهتری یافت نمیشود جز دنباله روی؛ تا به طور نمونه از آن یاد نمود و گفت این است اسلام. همه سرو ته یک کرباس و وسیله سر کوب نو اندیشان که باید سر مشق باشد برای نا مسلمانان.

حال بر میگردیم به اسلام و مسلمانی کشور عزیز خود ما.

مردم شریف ما با قلب پاک که دارند به خدا و به کتاب خدا و پیغمبر آن ایمان کامل داشته و دارند آنها اکثراً نسبت عدم موجودیت سواد، قرآن را ناخوانده ایمان آورده اند و در مجموع مسلمانان ساده و بی آزار جهان را تشکیل داده اند اسلام را در چهار چوب بدوی و ابتدائی آن دیده و چون همیشه مورد ظلم و تجاوز اربابان قدرت و دولت های فاسد که همین اسلام مدافع منافع اصلی شان بشمار میرود قرار گرفته اند و آن ها متولد در خانواده های مسلمان بودند که خواهی نخواهی باید مسلمان بود و در کشاکش جبر زندگی و زور گوئی های اربابان قدرت و مخصوصاً ترس از احکام آنها که خود را برگزیدگان خدا و پیغمبر میدانستند که اوامر شان حد و حصری نداشت به جستجوی تکیه گاهی در زندگی بوده چیزی نیافتند تا از شر این همه مظلوم در پناه باشند

جز اسلام که خدای آن با صابری در روز قیامت کمک میکند هزاران بد بختی را متحمل و همیشه دست به آسمان دارند جز اسلام و مسلمانی چیزی دیگری نمیدانند اینها قربانیان اسلام اند بدون اینکه خود شان بدانند نا خود آگاه در دامی گیر مانده اند که خطر ناکتر از زولانه های ح.د.خ در زمان قدرت شان است

حال یک تعداد ازین میان که کمی سواد مکتبی داشتند شدند روشنفکر اسلامی شدند رهبر اسلامی و همه کاره اسلامی و شاهکار های شانرا در سه دهه اخیر در کشور شاهد بودیم شروع کردند به تبلیغات دینی و مذهبی تا باشد که ذهنیت مردم ساده دل مارا زیاد در محور روز آخرت، جن، شیطان، ملائکه، پری دیو و غیره خرافات مشغول داشته و به بهره برداری شان برای مدت چند ادامه دهند. مثل آباء و اجداد شان که بنیان گذار این نوع خدمات بودند گروه دیگر از مردم ما که خود شانرا روشنفکر نه رهبر اسلامی میدانند

طرح دیگری که خیلی عجیب و خنده آور است و پیش کشیده اند که از یک طرف به خرافی بودن دین یقین کامل دارند و باور دارند که دین گمراه کننده بشریت و مانع تکامل و پیشرفت علوم و ابتکارات بشری بوده و وسیله سر کوب ظالمانه مردم در اختیار نیرو های حاکم و مفت خواران جامعه میباشد اما روی دلایل بخصوص نمیتوانند از

آن بریده و بسوی توده ها بر گردند از طرفی در عذاب وجدان بشکل دائمی قرار داشته جهات برحق ضد مذهبی و دینی را در واقعیت های بیرون ازین چوکات مشاهده میکنند، نمیدانند چکار کنند و راه احمقانه و مضحکی را پیش میگیرند یعنی اینکه روی وابستگی های اجتماعی و یا شاید هم دلایلی دیگر میخوانند هم خود را مسلمان جلوه دهد تا از کاروان مر تجعین عقب گرا پس نمانند و احياناً چیزی را از دست ندهد و هم زیر فشار وجدان و واقعیت های اجتماعی و دید سیر عملکرد مذهبیون در کشور میخواد خود را روشنفکر اسلامی جلوه دهند جای خنده همین جا است که طرف میخواد در دو قطب متضاد شخصیت خود را تبارز دهد ممکن تبارز آن با طرح دلایل خیلی احمقانه ممکن باشد اما ثبوت و حقانیت آن قابل قبول نیست برای آنکه هیچ امکان ندارد کسی از جنس آدم شخصیت موجود و فعال در برخورد با یک پدیده اجتماعی در زمان واحد دو چهره داشته و دو موضع گیری مشخص متضاد نماید هم رول انقلابی و روشنفکری عقب مانده ترین پندار ها و باورهای ایده یالیستی مفلوک بشریت را بازی نماید و در عین زمان در قطب مخالف آن باشد حال بیچاره ها میخوانند برای موضع گیری از تجاعی خود دلایلی بیاورند چون اصلاً چیزی بنام علم، تیوری و یا مبارزه انسانی در قاموس فرهنگی شان نیست نمیدانند چه میگویند در بعضی از نوشته های بی مسؤولیت شان مینویسند که من از دین و مذهب فقط چیز های خوب آنرا میگیرم و توضیح میدهند که از دین اسلام فقط خوبی های آنرا در نظر دارند و خرافات و طرح های ضد انسانی مخصوصاً ضد حقوق زن را قبول ندارند آنها در بدی های اسلام بناء به حکم وجدان تو ضیحاتی هم دارند که تا یک اندازه البته نه به حد کافی به تشریح آن میپردازند اما روی دلایلی آن جنابان فقط میخوانند جهاتی که به نظر آنها مثبت جلوه نموده طرف آنرا بگیرند صریحاً اظهار میدارند که مزخرفات دین اسلام را نمی پذیرند درین ارتباط باید عرض نمود که این دوستان خواسته یا نا خواسته بنا بر ندای وجدان به این نتیجه رسیده اند که دین بدی های هم دارد اما ایشان بنا بر بزرگواری خود شان آن بدی ها را نمی پذیرند به چه فشننگ است ندای وجدان که خلاف میل انسان ندا بر می آورد و بدی ها را میشمرد و انسان را متوجه میسازد که به کدام کجراه ها راه میبیماید اما توجه نکرده اند که دین اسلام قواعد، اوامر و هدایاتی دارد که یک فرد را به اساس همان پابندی هایش بر آن قواعد و عملکرد هایش را بر اساس موازین مطروح اسلامی مسلمان می شمارند نه آنانی که نیمچه مسلمان باشند یا به اصطلاح عام نصف قران را بپذیرد و نصف دیگر آنرا نه؟ این را میتوان به سادگی گفت که نیمچه مسلمان یا طرز جدید مسلمانی به نظر بنده این نوع مسلمان نه تنها مسلمان نه بلکه هر انسانی که به یک ایده و یا تیوری چنین پابند باشد او خطر ناک تر از آن کسانی خواهد بود که به آن ایده و یا تیوری ضد انسانی ایمان کامل دارند باید خاطر نشان ساخت که اسلام بر پایه های قران که آنرا کتاب آسمانی میگویند استوار است و از خود قوانین، اوامر و هدایاتی برای پیروان خود دارد که خارج از آن چوکات کسی و چیزی را نمی پذیرد. حال اینکه آیه های قران تا چه اندازه رهنمود بشریت است و یا گمراه کننده انسانها و یا حقوق مطروح قران به کدام پیمانان انسانی است یا غیر انسانی بحث جداگانه را ایجاب میکند که درین مختصر نمی گنجد فقط باید گفت که قران همان است که بود و هیچ عرب یا عجمی. سید و حضرت، شیخ و ملا، ایت الله و حجت الاسلام، داکتر، پروفیسور، فارغ التحصیلان الازهر و یا مدرسه های دیوبندی با ریش دراز سیافی و یا کوتاه عبداللهی و قانونی همچنان رفقای مسلمان شده (ح.د.خ) هرکسی به هرشکلی که ظاهر شود چه کلاه پیک دار، چه لنگوته سفید و یا سیاه، دیپلوم دار و غیره نمیتوانند از قران و اسلام هدایت و دین مترقی و حل کننده مشکلات بشری درست نمایند و نخواهند توانست آنرا با حرافی و چرنیدیات دین تکاملی نشان دهند امروز

چشم هموطنان ما باز شده و نسل جوان ما تشنه فهمیدن حقایق اند آنها در جستجوی راهنمود های روشن و انسانی بعد از یک عمر تجربه اسلامیت و در خدمت گذاری انقلابیون!! چپی دموکراتیک(ح.د.خ) و کاسه لیسان ارتجاع خواهان بر رسی آنچه بنام رفاقت و اسلامیت با اوشان و پدران شان شده هستند آنها اکنون معنی کامل اسلام و مسلمانی را میدانند و دیدند جوانان ما امروز به مکتب، درس و کتاب ضرورت دارند نه به مسجد و تکیه خانه چون تاجران دین بقدر کافی در جهت برانداختن بنیاد های علمی و فرهنگی ما به نفع باداران شان تلاش کرده اند نسل جوان میخواهد آزاد باشد و آزاد بیندیشد . آزاد تصمیم بگیرد و آزاد عمل کند در غیر این آزادی و یا در محدودیت های دینی و مذهبی نمیتوانند خود و استعداد های بشری خود را در خدمت انسانیت و ترقی کشور شگوفان سازند جوان ما در راه تمدن امروزه بشری میخواهد گام گذارد و آزاد منشانه خارج از قید و قیود مزخرفات دینی و مذهبی بسوی جهان آزاد و مرفه و خارج از بهره کشی های انسانی به پیش رود نباید فراموش کرد که نسل جوان و آگاه ما پیش رونده و پیش گام قافله انسانیت در مخالفت با هر چه کهنه پرستی و سازش کاری است میباشد و هیچ نیروی کهنه و خرافی و روشنفکران کجرو نمیتواند جلو شانرا بگیرد